

تحلیل و نقد دیدگاه انسان‌شناختی ملاهادی سبزواری پیرامون جایگاه زن با تکیه بر آموزه‌های قرآن و سنت

مریم مسعودی^۱

^۱ دانش‌پژوه حوزه علمیه

چکیده

زمینه و هدف: جایگاه وجودی و معرفتی زن در اندیشه اسلامی همواره محل تأمل بوده است. با این حال، دیدگاه‌های برخی اندیشمندان متأخر همچون ملاهادی سبزواری که در آثار خود زنان را به سبب ضعف عقل نظری در ردیف حیوانات غیرناتق قرار داده‌اند، با معیارهای عدالت‌محور و رویکردهای نوین در تعارض است. هدف اصلی این پژوهش، تحلیل و نقد دیدگاه‌های انسان‌شناختی ملاهادی سبزواری درباره زنان و ارزیابی این آراء در پرتو قرآن، روایات و اصول کرامت انسانی است. این پژوهش با رویکرد کیفی و به روش توصیفی-تحلیلی و انتقادی انجام شده است. بدین منظور، ابتدا دیدگاه‌های سبزواری درباره ماهیت و عقلانیت زن از منابع اصلی استخراج گردید و سپس با بهره‌گیری از روش تحلیل محتوا و تحلیل انتقادی گفتمان، مفروضات و پیامدهای آن بررسی شد. در نهایت، این گزاره‌ها با آموزه‌های قرآن و سنت و آراء سایر اندیشمندان تطبیق و مقایسه گردید. بررسی‌ها نشان می‌دهد که ادعای سبزواری مبنی بر «نقصان عقل نظری زنان» و تشبیه آنان به «حیوانات»، با اصول کرامت انسانی و صریح آیات قرآن مغایرت دارد. استنادات وی اغلب بر پیش‌فرض‌های زمانه استوار بوده و با شواهد قرآنی نظیر مقامات معنوی حضرت مریم و آسیه که نشانگر کمال عقلی زن است، قابل جمع نیست. دیدگاه سبزواری در این خصوص بازتابی از نگرش‌های فرهنگی عصر خود بوده و نباید به کلیت اندیشه اسلامی تعمیم داده شود. بازخوانی این آراء نشان می‌دهد که اسلام ضمن پذیرش تفاوت‌های حقوقی، بر برابری ذاتی و امکان صعود معرفتی زنان تأکید دارد و این دیدگاه‌ها نیازمند اصلاح و بازخوانی انتقادی هستند.

واژه‌های کلیدی: قرآن، زن، ملاهادی سبزواری، عقل نظری، نقد انسان‌شناختی.

۱. مقدمه

۱.۱. اهمیت و ضرورت پژوهش

بحث از انسان‌شناسی (Anthropology) و تبیین جایگاه وجودی و معرفتی زن، یکی از دیرینه‌ترین و حیاتی‌ترین مباحث در حوزه‌های فلسفه، کلام و فقه اسلامی محسوب می‌شود. از یک سو، آموزه‌های بنیادین اسلام بر کرامت ذاتی (Intrinsic Dignity) همه انسان‌ها، اعم از زن و مرد، تأکید دارند (اشاره به آیه ۶۷ سوره اسراء و دیگر متون). از سوی دیگر، میراث عظیم فکری اسلامی، حاوی آراء متفاوتی است که در برخی موارد، به واسطه تأثیرپذیری از پیش‌فرض‌های فرهنگی دوران نگارش، نیازمند بازخوانی و پالایش انتقادی هستند. در عصر حاضر که گفتمان عدالت جنسیتی و حقوق انسانی در جامعه اسلامی مطرح است، ضرورت دارد که تفکر دینی از هرگونه نگرش تقلیل‌گرایانه و تبعیض‌آلود پاکسازی شود.

۲.۱. بیان مسئله

یکی از چالش‌برانگیزترین دیدگاه‌ها در این خصوص، آراء مطرح شده توسط حکیم ملاهادی سبزواری (متوفای ۱۲۸۹ ق)، فیلسوف برجسته مکتب صدرایی، است. سبزواری در شرح منظومه و به‌ویژه در کتاب اسرارالحکم، در بحثی پیرامون عقل نظری (Theoretical Intellect)، به صراحت زنان را به دلیل ضعف قوه عاقله و غلبه قوه واهمه و خیالیه، در ردیف موجوداتی نزدیک به حیوانات غیرناطق قرار داده است (سبزواری، ۱۳۸۳: ص ۵۳۸).

این دیدگاه، که به‌طور ضمنی نقصان در کمال انسانی زن را نتیجه می‌گیرد، با اصول انسان‌شناسی قرآنی، به‌ویژه تأکید بر امکان اصطفاء، محدثه بودن و وصول به مقامات ولایت برای زنان نمونه (نظیر حضرت زهراء، حضرت مریم، آسیه و ...)، در تضاد بنیادین قرار دارد. لذا، پژوهش حاضر تلاش دارد تا با رویکردی انتقادی و با اتکا به نصوص قطعی دینی، مبانی و مستندات این نظریه را تحلیل کرده و ناسازگاری آن را با روح کلی شریعت اسلامی تبیین نماید.

۳.۱. اهداف و پرسش‌های پژوهش

هدف اصلی این مقاله، تحلیل و نقد مبانی کلامی و فلسفی دیدگاه ملاهادی سبزواری پیرامون نقصان عقل زنان، با تکیه بر متون اصیل قرآن و سنت است.

این پژوهش به دنبال پاسخگویی به پرسش‌های کلیدی زیر است:

- دیدگاه ملاهادی سبزواری درباره ماهیت و جایگاه معرفتی زن چیست و این دیدگاه بر چه مبانی فلسفی استوار است؟
- آیا استنادات سبزواری مبنی بر ضعف عقل نظری زنان، با شواهد صریح قرآنی و روایی (مانند جایگاه حضرت زهرا «س» و حضرت مریم) سازگاری دارد؟
- پیامدهای معرفتی و عملی پذیرش یا رد این نظریه برای کرامت انسانی و عدالت جنسیتی در منظومه فکری اسلامی چیست؟

۲. ادبیات تحقیق

۲.۱. پیشینه و وجه تمایز:

بررسی متون و پیشینه تحقیق نشان می‌دهد که مسئله جایگاه معرفتی زن در فلسفه اسلامی، به‌ویژه در مکتب حکمت متعالیه، محل تأمل بوده است. با این حال، پژوهش‌های موجود عمدتاً حول محور ملاصدرا شیرازی متمرکز شده‌اند و رویکردی تبیینی و دفاعی داشته‌اند.

مهم‌ترین محورهای تحقیقات پیشین:

۱. تفسیر دیدگاه ملاصدرا: مقالاتی چون «ارزیابی نگاه حداقلی به زن در عبارت ملاصدرا (موسوی ۱۴۰۱)» و «جایگاه انسانی زن از منظر ملاصدرا (شجریان، ۱۳۹۸)» تلاش کرده‌اند تا با بازخوانی آراء ملاصدرا، نشان دهند که نگاه او جنسیتی یا توهین‌آمیز نبوده است.
۲. تأکید بر برابری ذاتی: این پژوهش‌ها تصریح می‌کنند که ملاصدرا زن را در مرتبه‌ای از مراتب انسانی تعریف می‌کند^۳ و از منظر فلسفه صدرایی، نفس انسانی جنسیت ندارد، لذا زن و مرد در هویت انسانی برابرند. همچنین استناد او به نقصان عقل، به معنای ضعف فلسفی یا اخلاقی نیست.

تمایز اصلی پژوهش حاضر با سوابق موجود در دو حوزه «هدف» و «رویکرد» نهفته است:

۱. هدف نقد: در حالی که تحقیقات پیشین بیشتر در پی تبیین و دفاع از دیدگاه ملاصدرا بوده‌اند، این مقاله به صورت خاص و متمرکز، نظریه ملاهادی سبزواری را هدف نقد قرار می‌دهد.
۲. ماهیت و شدت دیدگاه مورد نقد: دیدگاه سبزواری در مقایسه با آنچه به ملاصدرا نسبت داده می‌شود، صریح‌تر و شدیدتر است؛ زیرا سبزواری زنان را به دلیل ضعف عقل نظری و تمایل به زینت‌های دنیوی، در ردیف حیوانات بی‌زبان قرار می‌دهد.
۳. رویکرد: پژوهش حاضر دارای رویکردی تحلیلی-انتقادی است و به دنبال بررسی و نقد یک نظریه خاص است، در حالی که مقالات دیگر بیشتر جنبه تبیینی و دفاعی دارند.

به این ترتیب، پژوهش حاضر تلاش می‌کند تا با هدف رفع چالش ناشی از تشبیه تقلیل‌گرایانه زن به حیوان غیرناطق و نقصان عقل نظری در آثار سبزواری، خلاء نقد جامع نقلی بر این دیدگاه را پر کند.

۲.۲. تبیین دیدگاه انسان‌شناختی ملاهادی سبزواری

ملاهادی سبزواری، با تکیه بر مبانی فلسفی و عرفانی خود، دیدگاهی را مطرح کرده که اساس نقد این مقاله است:

- تشبیه به حیوان غیرناطق: سبزواری معتقد است که زنان به دلیل ضعف عقلانی و ایستایی در درک جزئیات، نزدیک به حیوانات غیرناطق هستند و بیشتر آنان در رفتار شبیه به چارپایان‌اند.
- توجیه آفرینش ظاهری: وی تصریح می‌کند که خداوند زنان را تنها به صورت انسان آفریده تا مردان از مصاحبت با آنان منزجر نشوند و رغبت به ازدواج باقی بماند.
- نقصان عقل نظری و تکلیف: سبزواری تأکید می‌کند که چون زنان از تکمیل عقل نظری بی‌بهره‌اند، باید زودتر به تکلیف مبادرت ورزند تا فرصت اصلاح عقل عملی را داشته باشند (سبزواری، ۱۳۸۳: ص ۵۳۸).

- برتری حقوقی مردان: او غلبه حقوقی مردان در شریعت (مانند طلاق و نشوز) را نتیجه همین برتری عقل نظری مردان نسبت به زنان می‌داند.

این نظریه، که زن را موجودی فرودست تلقی کرده و به‌طور مستقیم بر ساختار فرهنگی و اجتماعی تأثیر منفی می‌گذارد، مبنای نقد این پژوهش قرار گرفته است.

۳. روش تحقیق:

روش پژوهش حاضر کیفی و کاربردی است که با تکیه بر روش کتابخانه‌ای صورت گرفته است. بدین منظور، ابتدا آرای ملاحادی سبزواری به‌ویژه دیدگاه او مبنی بر نقصان عقل نظری زنان و تشبیه تقلیل‌گرایانه آنان به حیوانات غیرناطق، به‌طور دقیق از منابع اصلی استخراج شد. سپس با به‌کارگیری روش انتقادی-تطبیقی (Critical-Comparative)، این مفروضات فلسفی سبزواری با نصوص قطعی نقلی (آیات قرآن کریم، نظیر مقام محدثه بودن حضرت مریم و الگو بودن آسیه، و روایات معتبر) و اصول کلامی (عدل الهی و کرامت ذاتی انسان) سنجیده و مقایسه گردید تا ناسازگاری‌ها و ضعف‌های استدلالی این نظریه در پرتو تعالیم اصیل دینی تبیین شود.

۴. یافته‌ها:

۴.۱. تبیین دیدگاه سبزواری درباره ماهیت معرفتی زن و مبانی فلسفی آن

دیدگاه سبزواری بر اساس نقصان عقل نظری:

ملاحادی سبزواری در مقام فیلسوفی که در مکتب حکمت متعالیه اندیشیده است، در آثار خود، به‌ویژه «اسرارالحکم»، دیدگاهی را مطرح کرده است که مبنای نقد این پژوهش قرار می‌گیرد. او معتقد است که زنان از لحاظ ماهوی در قوه عاقله نظری دارای نقصان هستند و این قوه در آنان به کمال فعلیت نمی‌رسد.

- علت نقصان (غلبه قوا): این نقصان، ناشی از غلبه شدید قوه واهمه و خیالیه بر قوه عاقله است. به زعم سبزواری، این غلبه سبب می‌شود که زنان از درک کلیات و حقایق مجرد، که کارکرد اصلی عقل نظری است، ناتوان باشند و بیشتر به جزئیات، زینت‌های دنیوی و امور زودگذر تمایل نشان دهند.
- تشبیه تقلیل‌گرایانه (نقل قول محوری): نتیجه این نقصان معرفتی، تقلیل مرتبه وجودی زن است. سبزواری صراحتاً بیان می‌کند که زن به‌دلیل این ضعف عقلانی، در مرتبه‌ای نزدیک به حیوانات غیرناطق قرار می‌گیرد و خلقت او تنها به صورت انسان بوده است تا مردان از مصاحبت با آنان منزجر نشوند و بقای نسل تضمین گردد (سبزواری، ۱۳۸۳: ۵۳۸).
- مبنای فلسفی: این دیدگاه بر مبانی زیر استوار است: ۱. تأثیرپذیری از سنت فکری یونان (نظیر آرای ارسطو) که زن را در سلسله مراتب وجودی فرودست می‌دانست. ۲. تحلیل خاص از مراتب عقل و نفس در حکمت متعالیه، که در آن سبزواری، نقص اکتسابی (ناشی از شرایط محیطی) را به یک نقص ذاتی و ماهوی تعمیم داده است (صدرالدین

شیرازی، ۱۴۱۲ ق: ج ۶، ۳۶. ۳. توجیه فقهی-حقوقی، یعنی استفاده از این نقص ادعایی برای توجیه تفاوت‌های حقوقی در شریعت.

۴.۲. ناسازگاری آراء سبزواری با شواهد نقلی قطعی

استنادات سبزواری مبنی بر نقص ذاتی عقل زن، با شواهد قطعی نقلی که بر کمال مطلق زن دلالت دارند، قویاً در تضاد است.

۴.۲.۱. ابطال معرفتی: کمال شهودی و مقام محدثه بودن زن

شواهد قرآنی، ظرفیت کامل نفس زن را برای دریافت عالی‌ترین حقایق و ابطال نظریه نقص عقل نظری اثبات می‌کند:

- مقام اصطفاء و کمال عقل قدسی: آیه آل عمران: ۴۲ بر اصطفاء (برگزیدگی) و تطهیر حضرت مریم (س) تأکید دارد. مقام محدثه بودن (دریافت مستقیم کلام از فرشتگان)، دلالت بر اتصال نفس ایشان به عقل فعال و مرتبه کشف و شهود دارد (طباطبایی، ۱۳۷۸: ج ۳، ۱۵۵). اگر زنان به لحاظ ماهوی دارای نقصان عقل نظری بودند، نفس ایشان ظرفیت لازم برای وصول به این مرتبه فوق استدلالی را نداشت.
- بصیرت و الگو بودن آسیه (س): قرآن، آسیه همسر فرعون را به عنوان الگوی مطلق برای مؤمنان (تحریم: ۱۱) معرفی می‌کند. بصیرت او در تشخیص حقیقت توحید در شرایط خفقان و ستم فرعون، نشانگر غلبه قاطع و کامل عقل نظری و عملی بر قوای وهم و خیال است. این امر فرضیه سبزواری مبنی بر غلبه وهم و خیال در زنان را از نظر کارکرد عملی ابطال می‌کند.
- عصمت و کمال عقل مطلق (سنت): مقام عصمت حضرت فاطمه زهرا (س)، دلالت بر کامل‌ترین مرتبه عقل نظری و عملی در ایشان دارد (اربلی، ۱۳۷۹: ج ۱، ص ۴۵۳؛ مجلسی، ۱۴۰۰: ج ۴۳، ص ۶۵). همچنین تداوم مقام محدثه بودن ایشان و ارتباط با فرشتگان (قمی، ۱۳۸۸: ج ۲، ۳۴۸)، نشانگر نهایت ظرفیت معرفتی زن برای دریافت علوم غیبی است. وجود این مصادیق کامل، یک نقض عینی و قطعی برای هرگونه حکم عام بر نقص ماهوی عقل در نوع زن است.

۴.۲.۲. نقد هستی‌شناختی: تناقض با کرامت ذاتی و وحدت در خلقت

تشبیه تقلیل‌گرایانه زن به حیوان غیرناطق، در تقابل صریح با اصول هستی‌شناختی قرآن است:

۱. تناقض با کرامت ذاتی: حکم قرآن به کرامت ذاتی «بنی‌آدم» (اسراء: ۷۰) یک حکم فراگیر است. سلب این کرامت و تقلیل مرتبه وجودی زن به مرتبه‌ی نزدیک به حیوان، با نص قرآنی در تعارض است و با اصل حکمت و عدل الهی سازگار نیست.
۲. ابطال دوگانگی ماهوی: اصل آفرینش از «نفس واحده» (نساء: ۱)، بر اشتراک ماهوی زن و مرد در حقیقت انسانیت تأکید دارد (ابن بابویه، ۱۳۶۲: ج ۱، ۳۲). فرضیه سبزواری مبنی بر خلقت زن در «صورت انسان» (نه حقیقت انسان) مغایر این اصل بنیادین است.
۳. یگانگی ملاک برتری: تنها ملاک برتری انسان‌ها، تقوا (حجرات: ۱۳) است، که امری روحی و غیرجنسیتی است و نشان می‌دهد هرگونه تمایزگذاری بر پایه عوارض فیزیکی، مردود است.

۳.۴. پیامدهای معرفتی و عملی پذیرش یا رد نظریه

پذیرش یا رد این نظریه، نتایج بنیادینی را در حوزه کرامت انسانی و عدالت جنسیتی در منظومه فکری اسلامی در پی خواهد داشت:

الف) پیامدهای منفی پذیرش دیدگاه سبزواری (تقلیل‌گرایانه)

- نقض کرامت انسانی: پذیرش این نظریه، توجیه فلسفی لازم را برای سلب حقوق و محدودیت‌های اجتماعی زنان فراهم می‌آورد و زمینه‌ساز توجیه فرهنگی تبعیض می‌شود.
- خلط نقش با ماهیت: این دیدگاه، تفاوت‌های حقوقی (مانند نفقه) را که بر پایه توازن مسئولیت‌های اجتماعی و اقتصادی وضع شده‌اند، به نقض ذاتی زن نسبت می‌دهد. این خلط، تحلیل صحیح و عادلانه نظام حقوقی اسلام را دشوار می‌سازد.

ب) پیامدهای ایجابی رد دیدگاه سبزواری (عدالت‌محور)

- تأکید بر کرامت ذاتی: رد این نظریه، بر اصل برابری ذاتی در گوهر انسانی تأکید مجدد کرده و زن را به عنوان یک انسان کامل و شایسته حضور در تمامی عرصه‌های مشروع اجتماعی معرفی می‌کند.
- پالایش و ارتقا اندیشه اسلامی: رد این دیدگاه، ضرورت پالایش میراث فکری اسلامی از رسوبات فرهنگی یونانی و عرفی را اثبات می‌کند. این پالایش، امکان بازسازی مبانی فقهی و تفسیری را بر اساس اصول عدالت و کرامت انسانی مطلق فراهم می‌کند (خمینی، ۱۳۸۹: ج ۴، ص ۳۶۴).

۵. بحث و تحلیل انتقادی:

تحلیل انتقادی آراء ملاحادی سبزواری پیرامون نقصان عقل نظری زنان و به تبع آن، تشبیه آنان به حیوانات غیرناتق (سبزواری، ۱۳۸۳: ص ۵۳۸)، نشان می‌دهد که این دیدگاه، فاقد پشتوانه نقلی مستحکم بوده و ریشه در مفروضات معرفتی و فرهنگی قابل نقد دارد. این تحلیل بر سه محور نقد مبانی معرفتی، هستی‌شناختی، و خاستگاه فرهنگی استوار است.

۵.۱. نقد مبانی معرفتی: ابطال فرضیه نقصان عقل نظری

پایه استدلال سبزواری، نقصان عقل نظری زن در ادراک کلیات و غلبه قوه وهم و خیال است. اما شواهد نقلی (یافته‌های ۴.۱.۱ تا ۴.۳)، این ادعای نقص ذاتی را ابطال می‌کنند:

۵.۱.۱. تضاد با کمال شهودی و مقام محدثه بودن

عالی‌ترین کارکرد عقل نظری، درک حقایق مجرد و کلی (نظیر توحید و معاد) است. مقام محدثه بودن حضرت مریم (س) و حضرت زهرا (س)، که از مکالمه با فرشتگان و دریافت حقایق غیبی حکایت دارد، فراتر از کمال عقل نظری استدلالی است.

- تحلیل انتقادی: اگر زن به لحاظ ماهوی دارای نقصان عقل نظری بود، نفس او ظرفیت لازم برای وصول به عقل فعال و بالاتر از آن، عقل قدسی را نداشت. تحقق این مقام در زنان برگزیده، به صورت «نقص غایت»، حکم عام سبزواری را

ابطال می‌کند؛ زیرا وجود یک مصداق کامل، اثبات می‌کند که نقص مورد ادعا، ذاتی و ماهوی نبوده، بلکه در صورت وجود، عرضی و اکتسابی (ناشی از شرایط محیطی یا تربیتی) است.

۵. ۱. ۲. نقد بر اساس بصیرت و غلبه عقل بر وهم

سبزواری معتقد است غلبه قوه واهمه و خیالیه، زنان را از عقل ناب دور کرده است. اما بصیرت آسیه (س) در اوج محیط کفر مطلق (قصر فرعون)، نشانگر سیطره کامل عقل عملی و نظری بر تمامی اغواگری‌های دنیوی است (سبزواری، ۱۳۸۳: ص ۵۳۸).

- تحلیل انتقادی: ایستادگی آسیه در برابر مقام، ثروت و تهدید جانی، نه یک تصمیم احساسی، بلکه نتیجه یک تشخیص عقلی قوی در تمییز حقیقت توحید و باطل شرک است. این بصیرت معرفتی، دلالت بر فعال بودن کامل قوه عاقله برای انجام تدبیر معنوی دارد که خود از لوازم کمال عقل است و فرضیه غلبه وهم را از اساس زیر سؤال می‌برد.

۵. ۲. نقد مبانی هستی‌شناختی: تناقض با کرامت ذاتی و حکمت الهی

تشبیه زنان به حیوانات غیرناطق، پیامد منطقی پذیرش نقص عقلی است، اما این تشبیه در حوزه هستی‌شناسی به دو تناقض بنیادین می‌انجامد:

۵. ۲. ۱. سلب کرامت ذاتی و نقض نص قرآنی

حکم قرآن به کرامت ذاتی «بنی‌آدم» (اسراء: ۷۰)، یک حکم فراگیر است. اگر زن در حقیقت و ماهیت وجودی خود در مرتبه نزدیک به حیوان قرار گیرد، این سلب کرامت به واسطه سبزواری، با تصریح قرآن در مورد شمولیت کرامت تناقض می‌یابد.

- تحلیل انتقادی: پذیرش اینکه خداوند موجودی را تنها به «صورت انسان» خلق کند تا مردان از مصاحبت با او منزجر نشوند (آن‌گونه که در استنباط سبزواری وجود دارد)، با اصل حکمت و اتقان در فعل الهی سازگار نیست. حکمت ایجاب می‌کند که خلقت، بر اساس حقیقت ماهوی باشد نه صرفاً ظاهر برای حفظ بقای نسل. ملاک نهایی کرامت، تقوا (حجرات: ۱۳) است، که یک امر اختیاری و روحی بوده و در زن و مرد مشترک است.

۵. ۲. ۲. وحدت در خلقت و ابطال دوگانگی ماهوی

اصل «نفس واحده» (نساء: ۱)، هرگونه دوگانگی و تفاوت در گوهر و ماهیت انسانی را منتفی می‌سازد.

- تحلیل انتقادی: دیدگاه سبزواری که نوعی فرودستی ماهوی را برای زن قائل است، تلاشی برای توجیه تفاوت‌های عرضی و نقش‌آفرینی‌های اجتماعی بر پایه یک نقص ذاتی است. حال آنکه شواهد قرآنی (نظیر الگو بودن آسیه) نشان می‌دهد که زن و مرد در هدف نهایی آفرینش و ظرفیت کمال نهایی، برابر هستند (فیض الاسلام، ۱۳۶۸: ص ۹۹۳).

۵. ۳. تحلیل خاستگاه فرهنگی و سوابق فکری (ریشه‌یابی)

بخش قابل توجهی از ضعف استدلالی سبزواری به تأثیرپذیری وی از فضای فرهنگی و فلسفی پیش از اسلام بازمی‌گردد:

۱. تأثیرپذیری از سنت فکری یونان: نظراتی مشابه نقصان عقل نظری زن، در اندیشه‌های فلاسفه متقدم یونانی (مانند ارسطو) وجود دارد که زن را «مرد ناقص» می‌دانستند. به نظر می‌رسد این آراء، از طریق میراث فکری متفکران اسلامی، بدون پالایش دقیق نقلی، به اندیشمندان متأخر مانند سبزواری منتقل شده است.
۲. استنباط اشتباه از تفاوت‌های حقوقی: سبزواری تفاوت‌های حقوقی در شریعت (مانند ارث و طلاق) را به عنوان نتیجه نقص عقلی زن تلقی کرده است.

نقد: تفاوت‌های حقوقی در اسلام (مانند حق نفقه بر مرد) بر پایه عدالت اقتصادی و مسئولیت‌های متفاوت زن و مرد بنا شده‌اند، نه نقص ذاتی زن. در اسلام، زن مسئول تأمین مالی خانواده نیست و ارث کمتر او با تکلیف نفقه متوازن می‌شود. سبزواری میان علت تشریح (نقش و مسئولیت) و علت ماهوی (نقص ذاتی) خلط کرده است.

نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با رویکرد تحلیلی-انتقادی به واکاوی و نقد دیدگاه انسان‌شناختی ملاحادی سبزواری پیرامون جایگاه زن پرداخت. یافته‌های مقاله به‌طور قاطع نشان داد که گزاره محوری سبزواری، مبنی بر نقصان ذاتی عقل نظری زنان و به تبع آن، تشبیه تقلیل‌گرایانه آنان به حیوانات غیرناطق، فاقد پشتوانه نقلی مستحکم و برهانی متقن در تعالیم اصیل اسلام است.

۱. ابطال معرفتی با کمال شهودی: وجود زنانی در اوج کمال معرفتی و شهودی، نظیر مقام محدثه بودن حضرت مریم (س) و حضرت زهرا (س)، دال بر قابلیت تام و کامل نفس انسانی زن برای درک حقایق کلی و مجرد و وصول به عالی‌ترین مراتب عقل فعال و قدسی است. این مصادیق، حکم عام سبزواری بر نقص ماهوی عقل نظری را به صورت عینی و قطعی ابطال می‌کند.
۲. تناقض با مبانی هستی‌شناختی: تشبیه زن به حیوان، در تعارض آشکار با اصل کرامت ذاتی بنی‌آدم و اصل وحدت در آفرینش از «نفس واحده» است. این تعارض بنیادین، نشان می‌دهد که نقص ادعایی، نه یک واقعیت ماهوی، بلکه برداشتی متأثر از قضاوت‌های فرهنگی و عرفی بوده است. ملاک برتری انسان‌ها صرفاً تقوا است که امری اختیاری و غیرجنسیتی است.
۳. معتبر بودن توجیه حقوقی: ریشه‌یابی نشان داد که سبزواری میان تفاوت‌های عرضی و نقش‌آفرینی در شریعت (مانند وظیفه نفقه بر عهده مرد) با نقصان ذاتی در خلقت، خلط کرده است. تفاوت‌های حقوقی محدود در اسلام، نه نشان‌دهنده نقص عقلی، بلکه برآمده از فلسفه عدالت اقتصادی و توازن مسئولیت‌ها هستند.

نتیجه کلی: این پژوهش نتیجه می‌گیرد که دیدگاه ملاحادی سبزواری بازتابی از رسوبات فکری متأثر از فلاسفه یونان و فضای فرهنگی عصر قاجار است و نباید به عنوان یک نظریه مستحکم اسلامی تلقی شود. تکیه بر کرامت ذاتی و کمال ظرفیت معرفتی زن در نصوص، راه را برای ارتقاء جایگاه زن در اندیشه اسلامی هموار می‌سازد.

پیشنهادها

بر مبنای نتایج به‌دست‌آمده، پیشنهادهای زیر برای تکمیل این گفت‌وگو و تعمیق مطالعات در حوزه انسان‌شناسی زن ارائه می‌گردد:

۱. تحقیق در منابع فلسفی: انجام پژوهشی تطبیقی و ریشه‌یابانه در مورد آراء فلاسفه متقدم (مانند ارسطو) و فلاسفه اسلامی (مانند ابن‌سینا و ملاصدرا) درباره عقل نظری زن، و بررسی اینکه ملامهادی سبزواری تا چه اندازه در این موضوع از میراث یونانی تأثیر پذیرفته و تا چه حد نوآوری داشته است.
۲. تحلیل مبانی حقوقی: انجام یک تحلیل گفتمانی گسترده بر روی متون فقهی و حقوقی معاصر جهت تبیین دقیق تفاوت‌های حقوقی (نظیر ارث و شهادت) با تکیه بر فلسفه عدالت و توازن مسئولیت‌ها، نه بر مبنای فرضیه نقصان ذاتی عقل.
۳. مطالعه میدانی پیامدها: انجام مطالعات کاربردی برای بررسی آثار و پیامدهای اجتماعی و فرهنگی آرای این دسته از فلاسفه بر نگرش‌های جامعه و متخصصان دینی نسبت به توانمندی‌های زنان.

منابع

* قرآن کریم

۱. ابن بابویه، محمد بن علی (۱۳۶۲)، الخصال، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۲. اربلی، علی بن عیسی (۱۳۷۹)، كشف الغمّة فی معرفة الأئمّة، قم: الشریف الرضی.
۳. خمینی، روح الله (۱۳۸۹)، صحیفه نور، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
۴. سبزواری، هادی بن مهدی (۱۳۸۳)، اسرارالحکم (چاپ اول)، قم: مطبوعات دینی.
۵. صدرالدین شیرازی، محمد بن ابراهیم (۱۴۱۲ ق)، الحکمة المتعالیة فی الاسفار العقلیة الاربعة (چاپ سوم)، بیروت: دارالاحیاء التراث العربی.
۶. طباطبایی، محمدحسین (۱۳۷۸)، تفسیر المیزان (مترجم: محمدباقر موسوی)، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۷. فیض الاسلام اصفهانی، علینقی (۱۳۶۸)، ترجمه و شرح نهج البلاغه، تهران: سازمان چاپ و انتشارات فقیه.
۸. قمی، علی بن ابراهیم (۱۳۸۸)، تفسیر قمی (چاپ اول)، قم: بنی الزهراء.
۹. مجلسی، محمدباقر، (۱۴۰۰ ق)، بحار الانوار، بیروت: دارالاحیاء التراث.